

تشریح پیوند

تشریح پیوند

۲۸۷۸ مرده مسلمان را تشریح نمی توان نمود، و اگر تشریح کنند حرام است. و برای قطع سر او و قطع سایر اعضای او دیه است، که در کتاب "تحریر الوسیله" ذکر نموده ام. ولی تشریح مرده غیر مسلمان جایز است و دیه ندارد، چه اهل ذمه باشد یا نباشد.

۲۸۷۹ اگر ممکن باشد تشریح غیر مسلمان، جایز نیست تشریح مسلمان برای یاد گرفتن مطالب طبی، اگر چه متوقف باشد حفظ جان مسلمانی یا عده ای از مسلمانان بر تشریح. و اگر با امکان تشریح غیر مسلمان، تشریح مسلمان کنند، معصیت کار، و بر آنها دیه است.

۲۸۸۰ اگر توقف داشته باشد حفظ جان مسلمانی یا عده ای از مسلمانان بر تشریح، و امکان نداشته باشد تشریح غیر مسلمان، جایز است تشریح مسلمان. و اما برای یاد گرفتن، بدون آنکه زندگی مسلمانی موقوف بر آن باشد، جایز نیست و موجب دیه است.

۲۸۸۱ در موردی که حفظ جان مسلمانان موقوف بر تشریح مسلمان است، بعید نیست دیه نداشته باشد. اگر چه احتیاط در دیه است.

۲۸۸۲ اگر حفظ جان مسلمانی موقوف باشد بر پیوند عضوی از اعضای میت مسلمانی، جایز است قطع آن عضو، و پیوند آن، و بعید نیست دیه داشته باشد. و آیا دیه بر قطع کننده است یا بر مریض، محل اشکال است، لیکن می تواند طبیب با مریض قرار دهد که او دیه را بدهد. و اگر حفظ عضوی از مسلمان موقوف باشد بر قطع عضو میت، در این صورت بعید نیست جایز نباشد و اگر قطع کند دیه دارد. لیکن اگر میت در حال زندگی اجازه داد، ظاهراً دیه ندارد، لیکن جواز شرعی آن، محل اشکال است. و اگر خود او اجازه نداد، اولیای او بعد از مرگش نمی توانند اجازه بدهند و دیه از قطع کننده ساقط نمی شود، و معصیت کار است.

۲۸۸۳ قطع عضو میت غیر مسلمان برای پیوند، حرام نیست و دیه ندارد. لیکن اگر پیوند کرد، اشکال واقع می شود در نجاست آن و میت بودن آن برای نماز، اگر میت انسان در نماز اشکال داشته باشد. بنابر این اشکال در میت مسلمان نیز هست. اشکال نجاست اگر قبل از غسل قطع نمایند نیز هست، لیکن می توان گفت که اگر عضو میت پس از پیوند، حیات پیدا کند، از عضویت میت می افتد و به عضویت زنده در می آید و نجس و میت نیست. بلکه اگر عضو حیوان نجس العین نیز پیوند شود، و زنده به زندگی انسان شود، از عضویت حیوان خارج و به عضویت انسان در می آید.

۲۸۸۴ اگر قطع عضو را بعد از مردن جایز دانستیم، بعید نیست که در حال حیات، فروش آن جایز باشد، و انسان بتواند اعضای خودش را بفروشد برای پیوند، در مواردی که قطع جایز است. بلکه جواز فروش تمام جسم را برای تشریح در موردی که جایز است، خیلی بعید نیست، اگر چه بی اشکال نیست. لیکن گرفتن مبلغی برای اجازه دادن

در مورد جواز مانع ندارد.

۲۸۸۵ انتفاع بردن به خون در غیر خوردن، و فروختن آن برای انتفاع حلال، جایز است. پس آنچه اکنون متعارف است که خون را می فروشند برای استفاده مریضها و مجروحین مانع ندارد. و بهتر آن است که مصالحه کنند، یا آنکه پول را در مقابل حق اختصاص یا در ازای اجازه خون گرفتن بگیرند، که خالی از اشکال و احوط است. بلکه این احتیاط حتی الامکان ترك نشود. لیکن اگر گرفتن خون، برای صاحب آن ضرر داشته باشد، اشکال دارد، خصوصا اگر ضرر فاحش و زیاد باشد.

۲۸۸۶ جایز است خون بدن انسانی را به بدن دیگری منتقل کنند و وزن آن را با مقیاسهایی که دارند تعیین کنند، و ثمن آن را بگیرند. و با جهالت به وزن، جایز است به طور مصالحه انتقال دهند. و احوط آن است که پول را در مقابل اجازه نقل بگیرند، و این احتیاط چنانچه ذشت حتی الامکان ترك نشود.